



● تصویرگر: حدیثه قربان

من شدم آغاز به نام خدا
روزی که به مدرسه آمدم، تا چند بلد بود بشماری؟ می‌توانستی خودت تنهایی یک
داستان بخوانی؟ حالا چطور؟

حتماً حالا یک عالمه عدد یاد گرفته‌ای و می‌توانی بشماری، می‌توانی برای خواهر و برادر
یا عروسک‌هایت داستان کوتاه بخوانی، حتی یاد گرفته‌ای بنویسی. مثلاً می‌توانی برای
دوستت نامه بنویسی یا برای مادر لیست خرید بنویسی. تو راه درازی را طی کردی تا
باسواد شوی؛ روزهای زیادی به مدرسه رفتی، هر روز کتاب خواندی و توی دفترت
نوشتی، نقاشی‌هایت را رنگ‌آمیزی کردی، عددها را شمردی و نوشتی. در این راه دراز،
یک راهنمای خوب همیشه توی کلاس همراهت بود، حرف‌به‌حرف الفبا را به تو آموخت،
کنارت بود که خوب و خوش خط بنویسی، چیزهای زیادی یادت داد.

حالا تو می‌توانی رشد کودک را از اول تا آخر خودت بخوانی، همه‌ی داستان‌ها، همه‌ی
شعرها، همه‌ی سرگرمی‌ها... توی این شماره حتی خودت می‌توانی اولین روزنامه‌ات را
درست کنی.

بیا با همدیگر از یک نفر تشکر کنیم: راهنما و همراه عزیزتی که به تو کمک کرد تا
باسواد شوی. همه یک صدا می‌گوییم:

«معلم عزیزم، از تو سپاسگزارم.»

